میکروفیلم تهیه شد

آستان قدس

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: تحفة الوزراء (- و السلاطین)
مؤلف متن: جلال الدین محمد اصفهانی محشی:
شارح: مترجم:
تاریخ تحریر: ۱۲۸۲ ق نوع خط: شکسته نستعلیق تعداد سطور: ۲
موضوع: اخلاق زبان: فارسی عدد اوراق: ۹
طول: ۲۴/۷ عرض: ۲۱ شمارهٔ عمومی: ۳۳۲۷۸
وقفی / خریداری: شیخ عبدالله مجتهد پور
تاریخ وقف: ۱۳۶۲/۵/۱۵ نام کاتب: عبدالحسین تبرزکی
ملاحظات: متفرقات در اخلاق در ۵ ورق ضمیمه است

الحمد لله رب العالمین و العاقبة [illegible]

... به مدارا باید کرد سلطان ستم [illegible] عدالت

و شجاعت و مروت و مروت و سخاوت و عطیت شفقت و رحمت باب دهم چهار چیز را رعایت کردن شرط است

رحم کس طاعت امانت شفقت نصیحت باب یازدهم اینکه چهار چیز موجب شادمانیست لوازم سلطان

دعای زاهدان ثنای زیرکان مدح ندیمان [illegible] باب دوازدهم که چهار چیز معزز شدند قرب سلطان تنبیه بندگان

بر عیب مال باب سیزدهم در اینکه چهار چیز از اهل بیت خود بپوشد عیب دیگران چیزی از اهل خانه است از گشتن بخیلی کردن

باب چهاردهم در اینکه چهار چیز دلیل سعادت است قول عهد و در تواضع در همه حال معترف در کسب حلال همه داشتن باز باب پانزدهم در اینکه چهار چیز

سعادت است صحبت داشتن با جاهلان [illegible] کردن با مردان نصیحت شنیدن از فضولان عمل کردن بقول زنان باب شانزدهم در اینکه

چهار چیز موجب هلاکت است غیبت حسد و با [illegible] و سخت دلی باب هفدهم در اینکه چهار چیز موجب ترقی است در دو دنیا و سرور است

با دشمنان مدارا ترک هوا و آرزو و اتحاد و صبر در قضا باب هجدهم در اینکه چهار چیز العیش [illegible] را از انبیا فضا طلب کردن حق تعالی

خشنودی خلق [illegible] خوار در [illegible] باب نوزدهم در اینکه چهار چیز آبادانی را اخلال کند ظلم عقل و خیانت ابنای جنس

جعفر باب بیستم در اینکه چهار چیز عاقبت بد دارد عاقبت خشم پشیمانی عاقبت لجاج رسوائی عاقبت بدخوئی دشمنی عاقبت کاهلی

خواری باب بیست و یکم در اینکه چهار چیز اندر [illegible] نظر است [illegible] باب بیست و دوم در اینکه

جهار

چهار چیز موجب جمعیت است استغنا قناعت فراغت باب بیست و سیم در اینکه چهار چیز خود را بنماید اما بزرگ است دشمن آتش بیماری و دانش

باب بیست و چهارم در اینکه چهار چیز شخص ضعیف کند دشمن بسیار قرض بسیار جهل و اکثر عیال باب بیست و پنجم در اینکه چهار چیز پیری و تنهائی نعمت و

شهوت قوت و تا [illegible] مروت و ملک و دولت را باب بیست و ششم در اینکه چهار چیز را زوال آن نشاید هر شخصی علم و [illegible]

باب بیست و هفتم در اینکه چهار چیز بود چهار چیز لازم است تنزل کردن اطوار عاقبت بد شنیدن لشکر دیدن تنزل کردن شبهای جای سلاطین

دلیری کردن هلاک شدن باب بیست و هشتم در اینکه چهار چیز اصل سعادت و الهیت و مراد است صیانت فرمان برداری خدای

تبارک و تعالی و متابعت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و صلوات الله علیهم خوشنودی مادر و پدر شفقت و رحمت بر خلق الله عالمیان

در بیان صورت ظاهر انسان و شکل و شمایل و اعضا و جوارح انسان که کیفیت هر عضوی دلیل چه صفت است

سر بزرگ دلیل همت عالیست سر خورد دلیل بی خردیست و سبکساریست سر پهن دلیل شهوت پرستی و حماقت است سر کشیده و دراز دلیل

شجاعت است موی [illegible] و موی درشت دلیل شجاعت است موی نرم دلیل جبنی و ترسنده گیست موی اعتدال دل خوبی است در صفات

بسیاری موی درشت ~~[illegible]~~ در سر دلیل کثافت است و بسیاری موی بر پشت دلیل شهوت است بسیاری موی

درشت [illegible] کتف [illegible] موی اندک دلیل لطافت و کیاست است رنگ

[illegible] رنگ سرخ و سفید

در رنگ سرخ [illegible]

[illegible] دلیل فطانت است

دلیل اعتدال [illegible]

[illegible] دلیل خشت و زبان زکار است

پیشانی [illegible] در میان ابروی و پیشانی

و نادانی [illegible] عضون بسیار بر پیشانی

از جانب سر به جانب بینی دلیل غمناکیست و غضب است چین پیشانی کشیده از جانب [illegible]

لاف زدن است ابروی بسیار موی دلیل اندوه است ابروی دراز کشیده تا صدغ دلیل تکبر و لاف زدن است ابروی پیوسته الفت است ابروی

کشیده دلیل بهجت است سر ابرو که از جانب بینی است دلیل خصومت و فتنه انگیزیست سر ابرو که از جانب بینی است و از جانب صدغ

بلند دلیل ابلهیست و تکبر و لاف زدن ابروی باریک دلیل بهجت و نشاط کامیست ابروی متوسط میان سطبری و باریکی و درازی و کوتاهی

دلیل اعتدال در قبض و بسط چشم بسیار بزرگ دلیل کاهلیست چشم فرو رفته دلیل نیکبختی است چشم متوسط دلیل وقار و سبکروحیست

[illegible] جهت [illegible] شد آنجا صفات ... از خط ... آیه [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والعاقبة للمتقین والصلوة والسلام علی محمد وآله اجمعین اما بعد این نسخه ایست شریفه که علما از کتب [illegible] اختیار کرده اند و فواید بسیار از هر نسخه

معلوم میشود جمع کرده اند بعد از تمهید مقدمه چنین ارشاد نموده اند که بهره مند شود و متصف بعادات پسندیده و اخلاق حمیده گردد این رساله مرسوم است بتحفه

الوزرا و منسوب است به بیست و [illegible] باب و هر باب چهار نصیحت بالله التوفیق باب اول در آنکه چهار چیز پادشاهان را نگاه دارد

رعایت و محافظت [illegible] باب دوم [illegible] محبت [illegible] [illegible]

[illegible] باب سیوم در آنکه چهار چیز از چهار چیز حاصل [illegible] سیاست [illegible]

رعیت را از رعایت باب چهارم آنکه چهار چیز را باید در دل [illegible] آوردن برادران مومن [illegible]

کردن در آباد [illegible] کوشیدن [illegible] باب پنجم در آنکه چهار چیز از همه بیش [illegible] عدالت در [illegible]

[illegible] باب ششم در آنکه چهار چیز از همه [illegible] [illegible] باب

باب هفتم در آنکه چهار چیز است سلاطین را [illegible] [illegible] باب هشتم در آنکه

[illegible] سلطان ستمکار [illegible] مردم [illegible] باب نهم آنکه چهار چیز [illegible] سلطان عدالت

و شجاعت و مروت [illegible] و سخاوت [illegible] شفقت و رحمت باب دهم [illegible] چهار چیز [illegible] شرطهاست

[illegible] طاعت امانت شفقت نصیحت باب یازدهم آنکه چهار چیز موجب [illegible] سلطان

[illegible] باب دوازدهم [illegible] چهار چیز [illegible] سلطان [illegible]

[illegible] باب سیزدهم در آنکه چهار چیز [illegible] [illegible] کردن

باب چهاردهم در آنکه چهار چیز [illegible] باب پانزدهم در آنکه چهار چیز [illegible]

[illegible] باب شانزدهم در آنکه

[illegible]

چهار چیز [illegible] طلب کردن [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

حواری باب [illegible] در آنکه چهار چیز [illegible] باب [illegible]

[illegible]

چهار چیز موجب جمعیت [illegible] فراغت باب بیست و سیم در آنکه چهار چیز [illegible] بزرگ است [illegible]

باب بیست و چهارم در آنکه چهار چیز [illegible] ضعیف [illegible] باب بیست و پنجم در آنکه چهار چیز [illegible]

شهوت [illegible] باب بیست و ششم در آنکه چهار چیز [illegible]

باب بیست و هفتم در آنکه چهار چیز [illegible] عاقبت [illegible]

دلیری کردن [illegible] باب بیست و هشتم در آنکه چهار چیز اصل سعادت [illegible] فرمان برداری خدای

[illegible] و متابعت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله [illegible] شفقت و رحمت بر خلق خدای [illegible]

در بیان صورت ظاهر انسان و شکل و شمایل و اعضا و جوارح انسان که کیفیت هر عضوی دلیل چه صفت است

سر بزرگ دلیل [illegible] عالیست سر خورد دلیل بی خردیست و سبکساریست سر پهن دلیل شهوت پرستی و حماقت است سر کشیده و دراز دلیل

شجاعت است موی [illegible] و موی درشت دلیل شجاعت است موی نرم دلیل جبنی و ترسنده گیست موی اعتدال دلیل خوبی است در صفات

بسیاری موی در [illegible] دلیل کثافت است و بسیاری موی بر پشت دلیل شهوت است بسیاری موی

در [illegible] و کتف و گردن [illegible] است و حماقت و بسیاری موی بر سینه و شکم دلیل [illegible] است موی اندک دلیل لطافت و کیاست است رنگ

و رنگ سرخ آتشی دلیل بسیاری خون است و شتاب زده و دیوانه گیست [illegible] دلیل [illegible] باطنی است رنگ سرخ و سفید

دلیل اعتدالست در اخلاق حمیده رنگ سرخ صافی دلیل حیاست رنگ سبز [illegible] دلیل خلق بد است [illegible] دلیل [illegible] است

پیشانی [illegible] فراخ که بر وی [illegible] دلیل [illegible] زیرکیست پیشانی تنگ دلیل [illegible]

و [illegible] بزرگ دلیل کاهلی است [illegible] متوسط دلیل اعتدالست در الفت و مواصلت [illegible] در میان ابروی

از جانب سر به جانب بینی دلیل [illegible] و غضب است [illegible] پیشانی کشیده از جانب صدغ [illegible] دلیل [illegible] بسیار [illegible]

لاف زدن است ابروی بسیار موی دلیل اندوه است ابروی دراز کشیده تا صدغ دلیل تکبر و لاف زدن است ابروی پیوسته الفت است ابروی

گشاده دلیل [illegible] ابرو که از جانب بینی است دلیل خصومت و فتنه انگیزیست [illegible] که از جانب بینی است و از جانب صدغ

بلند دلیل ابلهیست و تکبر و لاف زدن ابروی باریک دلیل [illegible] ابروی متوسط میان [illegible] و باریکی و درازی و کوتاهی

دلیل اعتدال در قبض و بسط چشم [illegible] بزرگ دلیل کاهلیست چشم [illegible] دلیل [illegible] چشم متوسط دلیل [illegible]

[illegible]

پنج سال است از خلقت جنّی بن جان صد و شصت و شش هزار و نهصد و سه سال است از بنای مکهٔ معظمه شش هزار و هفتصد و پنج سال است
از بنای بیت المعمور شش هزار و نهصد و دو سال است از نزول علم نجوم به ادریس پیغمبر ع پنج هزار و هفتصد و چهار سال است از طو
فان نوح ع شش هزار و هفتصد و چهار سال است از عهد شاه فریدون چهار هزار و نهصد و هفتاد سال است از ولادت حضرت ابراهیم ع
سه هزار و هشتصد و چهل و هشت سال است از ولادت اسحاق ع سه هزار و نهصد و سیزده سال است از ولادت اسماعیل ع سه هزار و هشتصد
چهل و هشت سال است از ولادت یعقوب پیغمبر ع سه هزار و هفتصد و هفده سال است از زمان یوسف پیغمبر سه هزار و سیصد و نود
هفت سال است از زمان موسی علی نبینا و علیه السلام سه هزار و هشتصد و سیزده سال است از ولادت دانیال سه هزار و پانصد و چهل
چهار سال است از عهد لقمان حکیم علی الله مقامه دو هزار و سیصد و ده سال است از ولادت داود ع علی نبینا دو هزار و پانصد و
سال است از زمان سلیمان ع نبی ع دو هزار و سیصد و هفتاد سال است از عهد جاماسب حکیم دو هزار و سیصد و هفت سال است
از بنای سد اسکندر یک هزار و شش صد و نود و هفت سال است از عهد بطلیموس حکیم و سلطنت و قیانوس یک هزار و نهصد
هشتاد و سه سال است از طوفان آتش بقوم هود یک هزار و هفتصد و هشتاد و هفت سال است از ولادت عیسی ع یک هزار
شش صد و بیست و هشت سال است از زمان انوشیروان عادل یک هزار و هفت سال است از ولادت سید المرسلین و خاتم النبیین
صلی الله علیه و آله یک هزار و شصت و هفت سال است از مبعث نبی و نزول فرقان یک هزار و سی و دو سال است از هجرت رسول
از مکه بمدینه یک هزار و ده سال است از رحلت نبی نهصد و نود و سه سال است از خلافت حضرت امیر المؤمنین ع نهصد
شصت و هشت سال است از جلوس امامت امیر المؤمنین حسن ع نهصد و پنجاه و هفت سال است از شهادت امیر المؤمنین حسین ع
نهصد و چهل و هفت سال است از تخریب کعبه بدلالت حجاج یوسف علیه اللعنه نهصد و سی و دو سال است خروج ابو مسلم مر
هشتصد و هفتاد و شش سال است از دولت بنی عباسی هشتصد و هفتاد و دو سال است از ولادت امام جعفر
علیه السلام هشتصد و شصت و هشت سال است از ولادت موسی کاظم هشتصد و پنجاه و هشت سال است از ولادت
هارون الرشید هشتصد و چهل و هفت سال است از بنای شهر تبریز هشتصد و نود و هشت سال است از ولادت امام
مهدی هفتصد و پنجاه سال است از دولت آل سامان از نسل بهرام چوبین هفتصد و هفت سال است از دولت
بویه از نسل بهرام گور شش صد و هشتاد و یک سال است از دولت آل سبکتکین پانصد و پنجاه سال است از روز
شیخ ابو علی سینا پانصد و هفتاد و چهار سال است از دولت سلطان جلال الدین ملکشاه چهار صد و نود و چهار
سال است از جلوس چنگیز خان چهار صد و سی و یک سال است از عبور هلاکو خان از آب آمویه سیصد و

هشت سال است از وفات خواجه نصیر الدین طوسی علیه الرحمه سیصد و سی و هشت سال است از بنای شهر سلطانیه دویست و
هفتاد و شش سال است از آمدن جانی بیک و زوال ملک ملک اشرف دویست و چهل و هفت سال است از قحط قلعه تبریز
دویست و چهارده سال است از رفتن امیر تیمور به بغداد دویست و ده سال است از رفتن امیر تیمور بروم و گرفتاری ایلدرم بایزید
دویست و دو سال است از رفتن امیر تیمور بسمرقند و واقعهٔ او دویست سال است از آمدن امیر شاهزاده شاهرخ به تبریز یکصد و هشتاد و دو سال
است از رفتن امیر اسکندر به شیروان یکصد و چهل و هفت سال است از زمان میرزا الغ بیک یکصد و پنجاه و هفت سال است از رفتن امیرزاده
جهانشاه به دیار بکر یکصد و شصت سال است از وفات امیرزاده شاهرخ بزرگ یکصد و پنجاه و شش سال است از رفتن جهانشاه به
همدان و تخریب قلعهٔ همدان یکصد و چهل و هفت سال است از تخریب شهر اصفهان و قتل عام یکصد و چهل و یک سال است از رفتن
پیر بوداق به بغداد یکصد و چهل و پنج سال است از قتل جهانشاه در قراباق و نزول حسن بیک یکصد و سی و پنج سال است از خروج
شاه اسماعیل ماضی از گیلان به سرحد تبریز و محاربه به الوند بیک یکصد و یک سال است از فتح فیروزکوه و قشلاق در قم نود و نه
سال است از محاربهٔ چهارم و قشلاق در طارم نود و هفت سال است از نزول نصرت شعار به همدان و رفتن بجانب بغداد
و فتح آن بلاد و قشلاق در شوشتر نود و چهار سال است و از متوجه شدن به خراسان و محاربه با شیبک خان و قتل آمدن
شیبک و قشلاق در هرات نود و دو سال است از رفتن نجم ثانی به خراسان و به قتل آمدن نود سال است از واقعهٔ شاه اسما
عیل و جلوس شاه طهماسب به تخت مملکت و قشلاق در تبریز هشتاد و یک سال است از محاربهٔ گلک و قشلاق در تبریز
هفتاد و هفت سال است از قتل گلک و قشلاق هم بوده در قزوین هفتاد و شش سال است از توجه خراسان و فرار خلان
و عود نمودن بعراق و قشلاق همایون در قم نود و پنج سال است توجه همایون به بغداد و قتل ذو الفقار و عود نمودن و قشلاق
در قزوین هفتاد و چهار سال است و باقی تواریخ به این نظر آمد نوشته شد ان شاء الله تعالی

شاه عباس ابن شاه سلطان محمد شاه طهماسب ابن شاه اسماعیل ابن سلطان حیدر ابن سلطان ملا
جنید ابن شیخ ابراهیم سلطان خواجه علی ابن شیخ صدر الدین موسی ابن سلطان شیخ صفی الدین اسحاق
ابن سید امین الدین جبرئیل ابن سید صالح ابن سید قطب الدین صلاح الدین رشید ابن محمد الحافظ ابن
سید محمد ابن سید حسن ابن سید محمد ابن سید ابراهیم ابن سید جعفر ابن سید محمد ابن سید اسماعیل ابن
سید محمد اعرابی ابن سید ابو محمد قاسم ابن ابو القاسم حمزه ابن امام الهمام امام موسی الکاظم علیه التحیة والسلام

۱۲۸۲

علی من اتبع الهدای

بابت ... اللقات ... کردم ... است ... اول ... [illegible]

سر ... در ... [illegible] ... بازرده

تخم ... [illegible] ... از ... بازرده تخم ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

بالا ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

ابوطالب ... ۱۲۷۵ ... [illegible]

جناب ... [illegible]

کردیم ... جناب ... [illegible]

کار ... [illegible]

... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible] ... التفات ... است ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

اگر ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... ۱۲۷۵ ... [illegible]